

## بسمه‌تعالی

فصلنامه گفت‌وگو راهبردی فلسطین، سال دوم، شماره ۳، بهار ۱۳۹۹، صفحات ۲۱ الی ۶۴

### قتل هدفمند در سنجه حقوق بر مخاصمه، حقوق در مخاصمه و حقوق بشر: مطالعه موردی شهادی فلسطین

مسعود اخوان فرد<sup>۱</sup>

وحید ابراهیمی<sup>۲</sup>

#### چکیده

از یک‌سو، جنگ علیه تروریسم به مثابه مولود نامشروع دولت بوش - با جایگزینی مغرضانه جنگ علیه تروریسم (war on terrorism) به جای مبارزه و مقابله با تروریسم (counter terrorism terrorism/Anti) زمینه را برای انجام اقدامات نظامی آماده ساخت و از دیگر سو، بر اثر دوام شرکت غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه معاصر، نظام حقوق بین‌الملل به‌ویژه شاخه حقوق بشردوستانه آن با تاکتیک نظامی جدیدی به نام «قتل هدفمند» مواجه شده است. به طوری که این نوع قتل علاوه بر زمان درگیری‌های مسلحانه و صحنه‌های نبرد، در خارج از میادین مخاصمات و حتی زمان صلح نیز ارتکاب می‌یابد؛ بنابراین مقاله حاضر با واکاوی ماهیت و بررسی امکان بسط و قبض «قتل هدفمند» درصدد تثبیت این ایده است که اگر چنین عملی، فرازمانی و فرامکانی باشد، نامشروع و اما اگر مقید به ازمنه و امکان مخاصمات باشد، مشروع است.

**واژگان کلیدی:** حقوق بر مخاصمه، جنگ علیه تروریسم، حقوق در مخاصمه، حقوق بشر، مبارزان غیرقانونی و مشارکت مستقیم در مخاصمات.

---

<sup>۱</sup>. متخصص حقوق بین‌الملل و عضو هیات علمی.  
<sup>۲</sup>. دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران.

## درآمد (تحلیلی)

حقوق حاکم بر روابط خصمانه طرفین نبردها با عنوان حقوق بین‌الملل مخاصمه به دو طریق «جنگ» و یا اصطلاح امروزی آن «مخاصمه مسلحانه»<sup>۳</sup> را تحت تأثیر قرار می‌دهد: از طرفی، با اعمال محدودیت‌هایی مخاصمه را به عنوان استثنائی بر اصل ممنوعیت توسل به زور در قالب‌های دفاع مشروع اعم از فردی و جمعی، سیستم امنیت دسته‌جمعی و حتی در راستای تحقق اهداف ملل متحد با نظارت و کنترل شورای امنیت سازمان ملل متحد به رسمیت می‌شناسد<sup>۴</sup> و از طرف دیگر، برای حمایت از فرد به معنای عام کلمه با تکیه بر این که پایه نهایی تعهد در نظام بین‌المللی حقوق بشردوستانه، تکریم انسان و انسانیت است، به‌کارگیری فنون، شیوه‌ها، ابزارآلات جنگی و تسلیحات نظامی را تحدید می‌نماید. درواقع، حقوق بین‌الملل مخاصمه با ابعاد محدودیت و حمایت شامل دو بخش است: حقوق بر جنگ و یا اصطلاح امروزی آن «حقوق بر مخاصمه»<sup>۵</sup> و حقوق در جنگ و یا اصطلاح امروزی آن «حقوق در مخاصمه»<sup>۶</sup>.

کندوکاو در استثنائات اصل ممنوعیت توسل به زور و نحوه تحقق آنها و سایر موضوعات مشابه نظیر مشروعیت یا عدم مشروعیت مخاصمه، بی‌طرفی در مخاصمه، اعلان مخاصمه، کمک نظامی به طرفین مخاصمه، ورود کشورهای ثالث به عرصه مخاصمه، شدت و دامنه مخاصمه و سایر مقولات مشابه مشمول حقوق بر مخاصمه و یا به عبارت دیگر، حقوق بین‌الملل توسل به زور هست و نحوه هدایت و اداره مخاصمات مسلحانه مشمول حقوق در مخاصمه و یا به عبارت دیگر، حقوق بشردوستانه می‌باشد که ترکیبی از «حقوق لاهه»<sup>۷</sup> و «حقوق ژنو»<sup>۸</sup> است. نیز، حقوق بنیادین تعلیق ناپذیر افراد در زمان درگیری‌های مسلحانه به عنوان حق‌های فرازمانی و فرامکانی، در چارچوب حقوق بشر به عنوان مکمل حقوق بشردوستانه قابل بررسی است؛ بنابراین توسل به زور و هدایت آن منوط به مراعات بایسته‌های حاکم بر روابط خصمانه طرفین نبرد به‌ویژه هنجارهای بنیادین مندرج در دو شعبه پراهمیت حقوق بین‌الملل یعنی حقوق بشردوستانه و حقوق بشر است که به طور عمده، به ترتیب در منشور جهانی حقوق بشردوستانه یعنی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی به آنها یعنی حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (۱۹۷۷) و حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه داخلی (۱۹۷۷) و منشور جهانی

<sup>۳</sup>. Conflit Armé.

<sup>۴</sup>. منشور ملل متحد، بند ۴ ماده ۲ و مواد ۵۱-۳۹ آن.

<sup>۵</sup>. Jus ad bellum.

<sup>۶</sup>. Jus in bello (le droit dans la guerre).

<sup>۷</sup>. Droit des metods et des moyens de combats.

<sup>۸</sup>. Droits des victims de la guere.

حقوق بشر یعنی اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و میثاق حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) پروتکل‌های منضم به آنها یعنی طرح دعوی افراد علیه دولت‌ها (۱۹۶۶) و امحای مجازات اعدام (۱۹۸۹) درج شده است.<sup>۹</sup>

در سال‌های اخیر، اجرا و اشاعه بایدها و نبایدهای حقوقی بین‌المللی لازم‌الاجرا در مخاصمات مسلحانه با ظهور و تداوم پدیده‌های «جنگ علیه تروریسم»<sup>۱۰</sup> و «مشارکت مستقیم و غیرمستقیم غیرنظامیان در مخاصمات»<sup>۱۱</sup> با چالش‌های اساسی مواجه شده است که یکی از آنها، ظهور و دوام اقدام خصمانه «قتل هدفمند»<sup>۱۲</sup> در عرصه مخاصمات مسلحانه است. اقدامی که به خاطر نگرش موسع آمریکا و رژیم صهیونیستی به آن، اجرا و اشاعه حقوق بشردوستانه علی‌الخصوص حقوق غیرنظامیان را تهدید و نقض می‌کند؛ زیرا که علاوه بر زمان مخاصمه و صحنه‌های نبرد، آمریکا و رژیم صهیونیستی به ترتیب به عنوان مبدع و مروج شیوه نظامی فوق قائل به اجرای آن در خارج از میادین نبرد و حتی زمان صلح نیز هستند. به این ترتیب که آمریکا و رژیم صهیونیستی در چارچوب مقوله‌های جنگ علیه تروریسم و مقابله مسلحانه با بازیگران غیردولتی، به صورت هدفمند به مبارزان غیرقانونی یعنی تروریست‌ها و غیرنظامیان مشارک در مخاصمات حمله می‌کنند.

امروزه بیش از پیش گسترش جنگ علیه تروریسم و مداخله فزاینده غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه موجب توسل به روش خصمانه «قتل هدفمند» می‌شود که در عمل، به آن تاکتیک نظامی «قتل هدفمند» گفته می‌شود. به طوری که کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا در قالب دفاع مشروع و تفسیر موسع آن در برابر بازیگران غیردولتی، مبارزان غیرقانونی را در سایر کشورها به طور عمده عراق، افغانستان و پاکستان به صورت هدفمند مورد حمله قرار می‌دهند. در این راستا، رژیم صهیونیستی نیز در لبنان و فلسطین با تکیه بر تاکتیک نظامی «قتل هدفمند»، به کشتار هدفمند غیرنظامیان مشارک در مخاصمه اقدام می‌کند.

آمریکا و رژیم صهیونیستی به خاطر این که قائل به به‌کارگیری فرازمانی و فرامکانی «قتل هدفمند» هستند، نه تنها در بازه زمانی مخاصمه، بلکه قبل و بعد از آن نیز به مبارزان غیرقانونی حمله می‌کنند. درحالی که طبق حقوق بشردوستانه، حمله به مبارزان غیرقانونی فقط در حین مخاصمه و در میادین نبرد مجاز است؛ بنابراین فن نظامی «قتل هدفمند» در صورتی مطابق با حقوق بشردوستانه خواهد بود که مقید به زمان و مکان خاصی یعنی زمان

<sup>۹</sup>. برای مطالعه متون منشور جهانی حقوق بشر و منشور جهانی حقوق بشردوستانه و سایر اسناد بین‌المللی مورد استناد در این نوشتار، ر. ک: حسین مهرپور، نظام بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۳.

<sup>۱۰</sup>. La Lutte Contre le Terrorisme.

<sup>۱۱</sup>. La participation directe et indirecte des civils aux hostilités.

<sup>۱۲</sup>. Targeted killing.

مخاصمه و میدان نبرد باشد. به این ترتیب، آمریکا و رژیم صهیونیستی به لحاظ زمانی و مکانی در مقیاس وسیعی به شیوه نظامی «قتل هدفمند» متوسل می‌شوند و حقوق بشردوستانه فقط در مقیاس محدودی آن را مورد شناسایی قرار می‌دهد. بر این اساس، اجرای فراگیر «قتل هدفمند» توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی مغایر با حقوق بشردوستانه است. به علاوه، از آنجاکه «قتل هدفمند» ناقض حق حیات است، متناقض با حقوق بشر نیز است<sup>۱۳</sup>؛ بنابراین چون شیوه نظامی «قتل هدفمند» اولاً با تکیه بر دفاع مشروع و تفسیر موسع آن صورت می‌گیرد و ثانیاً علاوه بر زمان مخصوصه و میادین نبرد، در زمان صلح و خارج از صحنه‌های نبرد نیز اتفاق می‌افتد، موضوعی مرتبط با حقوق بین‌الملل توسل به زور، حقوق بشردوستانه و حقوق بشر است؛ بنابراین، سؤال محوری در نوشتار حاضر این است که «قتل هدفمند در سنجه حقوق بر مخصوصه، حقوق در مخصوصه و حقوق بشر چگونه است؟».

در پاسخ به این سؤال، جواز یا عدم جواز «قتل هدفمند» با استناد به دفاع مشروع و مصادیق منتج از آن یعنی دفاع مشروع پیش‌دستانه و دفاع مشروع پیشگیرانه و شناسایی آن به عنوان اقدام خصمانه تلافی‌جویانه در بطن حقوق بین‌الملل توسل به زور قابل بررسی است؛ حقوق بشردوستانه ماهیت، قلمرو و نحوه اجرای «قتل هدفمند» را مشخص می‌نماید و حقوق بشر با تکیه بر حق حیات به عنوان حقی فرازمانی و فرامکانی به‌کارگیری آن را در زمان صلح طرد می‌نماید؛ بنابراین، نوشتار فراروی ضمن بررسی پیشینه و به‌کارگیری موسع و مضیق تاکتیک نظامی «قتل هدفمند» با تمرکز بر واکاوی آن از منظر حقوق بین‌الملل توسل به زور به عنوان اقدام خصمانه تلافی‌جویانه و نه به عنوان دلیلی بر دفاع مشروع، حقوق بشردوستانه و حقوق بشر در نهایت به این نتیجه نائل می‌شود که این نوع قتل اگر در چارچوب حقوق بین‌الملل توسل به زور و مقید به زمان مخصوصه و در صحنه‌های نبرد باشد، در راستای هدایت درگیری‌های مسلحانه معاصر است و اما اگر در خارج از صحنه‌های نبرد و خارج از میادین نزاع اتفاق افتد، در چارچوب هدایت و رهبری قانونی مخاصمات نیست. درواقع، تاکتیک نظامی «قتل هدفمند» می‌تواند، تحت شرایطی مجاز تلقی شود و تحت شرایطی غیرمجاز انگاشته شود.

## ۱. «قتل هدفمند»: از نظریه تا عمل

<sup>۱۳</sup>. برای بررسی «قتل هدفمند» از منظر حقوق بین‌الملل، حقوق بشر به عنوان مکمل حقوق بشردوستانه مورد واکاوی قرار می‌گیرد؛ زیرا که در خلال مخاصمات، اصل بر اجرای حقوق بشردوستانه است و فقط بخشی از حقوق بشر یعنی حقوق اساسی تعلیق‌ناپذیر افراد لازم‌الاجراء می‌باشد. برای مطالعه بیشتر راجع به رابطه حقوق بشردوستانه و حقوق بشر، ر. ک: ناصر قربان‌نیا، نسبت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، رساله دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۱۳۸۵.

نحوه ظهور تاکتیک نظامی «قتل هدفمند» و تداوم آن علیه «مبارزان غیرقانونی»<sup>۱۴</sup> مشارک در مخاصمات مسلحانه نشان می‌دهد که این تاکتیک بیشتر به منظور ایجاد ابهام و تردید در اجرای حقوق بشردوستانه لازم‌الاجرا در جنگ علیه تروریسم و مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات به حوزه ادبیات حقوق بین‌الملل راه یافته است، نه به منظور اجرای حقوق بشردوستانه حاکم بر هدایت صور مختلف مخاصمه مسلحانه صرف نظر از انواع و اشکال آن. چرا که کشورهای غربی علی‌الخصوص آمریکا قائل به اجرای کامل حقوق بشردوستانه در مقوله جنگ علیه تروریسم نیستند و به عبارت دیگر، بر این باور هستند که این حقوق برای هدایت مخاصمات مسلحانه معاصر به‌ویژه درگیری‌های مسلحانه‌ای که یک طرف آن دولت و طرف دیگر آن بازیگران غیردولتی هستند، ناکارآمد است. در این راستا، رژیم صهیونیستی نیز اجرای حقوق بشردوستانه را در قبال مداخله غیرنظامیان در مخاصمات، غیرقابل اجرا تلقی می‌کند. به همین دلیل، آمریکا و رژیم صهیونیستی به شیوه‌های نظامی نوینی متوسل می‌شوند که نمونه بارز آنها، «قتل هدفمند» است.

#### ۱-۱. ماهیت «قتل هدفمند»

«قتل هدفمند» اصطلاح نوظهوری است که طی سال‌های اخیر به‌ویژه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی<sup>۱۵</sup> وارد حوزه ادبیات حقوق بین‌الملل به طور عام و حقوق بین‌الملل مخاصمه به طور خاص شده است. درواقع، این اصطلاح به طور عمده حاصل عملکرد کشورهای غربی از جمله ایالات متحده آمریکا در حوزه جنگ علیه تروریسم و یا اصطلاح امروزی آن «عملیات احتیاطی برون‌مرزی»<sup>۱۶</sup> در قبال بازیگران غیردولتی و مبارزان غیرقانونی وابسته به آنها است<sup>۱۷</sup>. به رغم این که مبدع اصلی اقدام خصمانه «قتل هدفمند» دولت آمریکا است، اما امروزه مروج اصلی آن رژیم صهیونیستی است. امروزه نیروهای مسلح رژیم صهیونیستی در قبال پدیده شایع

<sup>۱۴</sup>.Combattant Illégal.

برای مطالعه بیشتر در خصوص مبارز غیرقانونی، ر. ک:

الف: مهناز اخوان خرازیان، حقوق بین‌الملل و حمایت از رزمندگان غیرقانونی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (I.S.I)، شماره ۱۸. b: Finaud, Marc, L'Abus de la Notion de Combattant Illégal: une Atteinte au Droit International Humanitaire, Revue Generale de Droit International Public, 2006.

<sup>۱۵</sup>. بر اثر این حادثه که از سوی گروه بنیادگرایی اسلامی «القاعده» انجام شد، برج‌های دو قلوی مرکز داد و ستد جهانی در ایالات متحده آمریکا تخریب شد و در پی این حادثه تروریستی، قریب به ۳۰۰۰ نفر کشته شدند.

<sup>۱۶</sup>.Overseas Contingency Operation.

<sup>۱۷</sup>. جورج بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، بعد از حادثه تروریستی یازده سپتامبر به منظور مبارزه با ترور و تروریسم نخست اصطلاح «جنگ علیه ترور» را مورد استفاده قرار داد و سپس با حمایت کشورهای غربی به جای آن، اصطلاح «جنگ علیه تروریسم» استعمال شد؛ البته در حال حاضر، به جای اصطلاحات فوق‌الذکر، اصطلاح جدیدی با عنوان «عملیات احتیاطی برون‌مرزی» نیز به کار می‌رود.

شرکت غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه به اشاعه «قتل هدفمند» می‌پردازند ( Nir Gazit and Robert J. Brym, 2011: 870–871).

واقعیت این است که در حوزه حقوق بین‌الملل، رژیم صهیونیستی مدام تلاش می‌کند که با تکیه بر فقدان مقررات بین‌المللی حاکم بر وضعیت حقوقی بازیگران غیردولتی، اجرای اسناد بین‌المللی به‌ویژه معاهدات حقوق بشری و حقوق بشردوستانه را به چالش بکشد (هنری کتان، ۱۳۵۴: ۱۸۷)؛ زیرا که این‌گونه مقررات را در مقابله مسلحانه با بازیگران غیردولتی، تهدیدی برای امنیت و منافع ملی خود تلقی می‌کند. به طوری که اگر نگاه اجمالی به اقدامات ناقض «حقوق بین‌الملل بشر»<sup>۱۸</sup> رژیم صهیونیستی داشته باشیم، مثنوی هفتاد من کاغذی می‌شود که امروزه مصداق بارز آنها، به‌کارگیری وسیع «قتل هدفمند» در خارج از میادین نبرد و زمان صلح است.

به نظر می‌رسد، انتخاب اصطلاح «قتل هدفمند»<sup>۱۹</sup> به‌جای اصطلاح «ترور هدفمند» بسیار زیرکانه بوده است؛ زیرا که آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی بر این باور هستند که تاکتیک نظامی «قتل هدفمند» در چارچوب حقوق بشردوستانه ناظر بر هدایت درگیری‌های مسلحانه معاصر است؛ چرا که این حقوق با شناسایی ضرورت‌های نظامی به طرفین مخاصمه اجازه می‌دهد که از شیوه‌های نظامی متعدد استفاده نمایند (احمد رضا سلیمان‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۰). البته شایان ذکر است که در هدایت مخاصمات، طبق رویه قضایی بین‌المللی، نظامی‌گرایی بایستی حداقل در تعامل با ملاحظات انسانی باشد و حتی در مواردی مفید می‌نماید که ملاحظات انسانی گوی سبقت را از ضرورت‌های نظامی بگیرد (ICTY, 1995: 119).

بعد از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی، دولت ایالات متحده آمریکا برای قانونی جلوه دادن کشتن مبارزان غیرقانونی از جمله اعضای شاخص گروه‌های تروریستی «القاعده» و «طالبان» با معضلات حقوقی بین‌المللی مواجه بود. به‌منظور رفع این خلا، آمریکا راه‌کار «قتل هدفمند» را ابداع کرده و رژیم صهیونیستی را ترغیب نمود که به‌تدریج چنین سازوکاری را در مقابله مسلحانه با اعضای شاخص «حزب‌الله»، «جهاد اسلامی» و «حماس» به کار گیرد.<sup>۲۰</sup> در این راستا، زمانی که «عماد مغنیه» از فرماندهان ارشد نظامی حزب‌الله لبنان در ۱۳ فوریه سال ۲۰۰۸ میلادی در سوریه (دمشق) توسط رژیم صهیونیستی ترور شد، سخنگوی وقت وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، «شان مک کورمک»، اظهار داشت: «جهان بدون وجود عماد مغنیه جای امن‌تری خواهد بود؛ مهم

<sup>۱۸</sup>. منظور از حقوق بین‌الملل بشر، سه شاخه پراهمیت حقوق بین‌الملل یعنی حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری می‌باشد که رسالت اصلی آنها، صیانت از حقوق اساسی بشر است.

<sup>۱۹</sup> Targeted Terror & Targeted Assassination.

<sup>۲۰</sup>. Cf Israeli soldiers condemned for wilful killings of palestinians, Xinhua General News Service, Xinhua News Agency, 20 February 1990.

نیست او چطور و چگونه کشته شد. بالاخره عدالت در مورد این شخص به اجرا درآمد<sup>۲۱</sup>. علاوه بر «عماد مغنیه» و «عباس موسوی» از حزب الله، «فتحی شقاقی»، «سلاح شهده»، «شیخ احمد یاسین»، «عبد العزیز رنتیسی»، «محمود المبحوح»، «عدنان القول» و «نظر رایان» از سران حماس بر اثر اجرای استراتژی نظامی «قتل هدفمند» جان خود را از دست (Stahl Adam, 2006: 3) داده‌اند.

امروزه چنین شیوه‌ای به خاطر توجیه حقوقی آن از سوی دادگاه عالی رژیم صهیونیستی که به نوعی قائل به جواز کشتار هدفمند در مقابل عملیات استشهادی فلسطینیان است، هم چنان تداوم دارد<sup>۲۲</sup>. نیز، حتی رژیم صهیونیستی در ترور و کشته شدن دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران (مسعود علی محمدی، مجید شهریاری، فریدون عباسی و مصطفی احمدی روشن) نقش داشته است که به نظر می‌رسد این کشتارها نیز در قالب استراتژی نظامی «قتل هدفمند» قابل تأمل باشد. البته این قتل‌ها تحت عنوان ترور بیشتر از منظر کنوانسیون‌های ضد تروریستی به‌ویژه کنوانسیون بین‌المللی سرکوب بمب‌گذاری تروریستی (۱۹۹۷) قابل بررسی است (Kevin Jon Heller, 2012: 7). در حال حاضر، نیروهای مسلح آمریکا در بسیاری از کشورها از جمله سومالی، لیبی، یمن، افغانستان، پاکستان، عراق و ... با استفاده از روش «قتل هدفمند»، اعضای گروه‌های تروریستی مانند طالبان، القاعده و داعش را به عنوان مبارزان غیرقانونی مورد هدف قرار می‌دهند که آخرین مورد مهم آنها، «قتل هدفمند» رهبر داعش (ابوبکر بغدادی) است.

حملات هدفمند به طور معمول توسط نیروی‌های هوایی آمریکا و رژیم صهیونیستی بر اساس اطلاعاتی که سازمان‌های جاسوسی از جمله «سیا» و «موساد» راجع به اعضای شاخص بازیگران غیردولتی مانند حزب الله، جهاد اسلامی و حماس در اختیار ارتش قرار می‌دهند، به وسیله هواپیماهای بدون سرنشین صورت می‌گیرد<sup>۲۳</sup>. در مورد ترجیح عملیات نظامی هوایی بر عملیات نظامی زمینی از سوی نیروهای مسلح آمریکا و رژیم صهیونیستی در اجرای تاکتیک «قتل هدفمند»، به نظر می‌رسد چون عملیات نظامی زمینی برای مقابله با بازیگران غیردولتی کارایی مؤثری نداشته است، استفاده از نیروی هوایی مثر ثمر تلقی می‌شود. درواقع، نخبگان سیاسی-نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی بر این باور هستند که چون عملیات خصمانه زمینی در افغانستان، پاکستان، لبنان و

<sup>۲۱</sup>. به نقل از: روزنامه اعتماد، سال هفتم، شماره ۱۷۲۴، دوشنبه ۲۴ تیرماه سال ۱۳۸۷.

<sup>۲۲</sup>. برای مطالعه تفصیلی رأی دادگاه عالی اسرائیل راجع به «قتل هدفمند»، ر.ک

<http://elyon1.court.gov.il/files-ENG/02/690/007/a34/02007690.a34.htm>

<sup>۲۳</sup>. به نقل از: روزنامه همشهری، سال چهاردهم، شماره ۳۹۶۱، ۲۸ فروردین سال ۱۳۸۵.

فلسطین چندان کارآمد نیست (حسین سیروس، ۱۳۸۰: ۱۰۷)، مقتضی است که برای اجرای تاکتیک «قتل هدفمند» از عملیات نظامی هوایی استفاده شود.

در خصوص تعریف «قتل هدفمند»، حقوقدانان بین‌المللی اتفاق نظر ندارند؛ به طور کلی، در چپستی «قتل هدفمند» اذعان شده است که این نوع قتل ارادی و عمدانه بوده و با استناد به حقوق بین‌الملل از طریق ابزارهای کشنده و بدون محاکمه افراد مورد حمله از سوی نیروهای مسلح تحقق می‌یابد (Nils Melzer, 2008: 5-6). چنین نگرشی به خاطر این که در صدد مشروعیت بخشی وسیع به «قتل هدفمند» است، چندان با هنجارهای بین‌المللی سازگاری ندارد؛ زیرا که امروزه نظام حقوق بین‌الملل به دنبال امحای کشتار از حیات بشری است، نه بسط و دوام آن. به همین سبب، اقدامات خصمانه آمریکا و رژیم صهیونیستی در چارچوب تاکتیک نظامی «قتل هدفمند» با واکنش جدی جامعه جهانی مواجه شده است. در حقوق بین‌الملل، قتل تحت هر شرایطی عملی نامشروع تلقی می‌شود و فقط طبق شاخه حقوق بشردوستانه آن، کشتن مبارزان مشارک در مخاصمه اعم از قانونی و غیرقانونی مشروع است (Gann Mc, 2011: 13). با این حال، نیروهای دفاع آمریکا و رژیم صهیونیستی نه تنها به کشتار هدفمند مبارزان غیرقانونی اقدام می‌کنند، همچنین به افرادی حمله می‌کنند که به هیچ وجه مشارکت فعالی در مخاصمه ندارند. اقدامی که ناقض اصول بنیادین حقوق بشردوستانه به ویژه اصل تفکیک و اصل تناسب است (Program on Humanitarian Policy and Conflict Research, 2007: 6)؛ بنابراین برخلاف حقوق بشردوستانه که از آن تفسیر مضیق استراتژی نظامی «قتل هدفمند» مستفاد می‌شود، آمریکا و رژیم صهیونیستی این استراتژی را به صورت فراگیر به کار می‌برند.

## ۱-۲. تفسیر موسع تاکتیک «قتل هدفمند»

همان طوری که بیان گردید، آمریکا و رژیم صهیونیستی در صدد هستند با به چالش کشاندن مقررات بین‌المللی بشردوستانه، «قتل هدفمند» را در بطن حقوق بشردوستانه ناظر بر هدایت مخاصمات مسلحانه قرار دهند. با این حال، عملکرد آنها در اجرای کشتارهای هدفمند نشان می‌دهد که «قتل هدفمند» نه تنها در راستای حقوق بشردوستانه ناظر بر هدایت درگیری‌های مسلحانه در قبال تروریسم و بازیگران غیردولتی نیست، بلکه مغایر با آن است؛ زیرا که بسیاری از این کشتارها در خارج از صحنه نبرد و در زمان صلح صورت می‌گیرد. به طوری که نیروهای مسلح آمریکا و رژیم صهیونیستی بیش از پیش حملات هدفمند خود را علیه شخصیت‌هایی برجسته



نظامی و حتی غیرنظامی و مذهبی گسترش می‌دهند (احمد رضا سلیمان زاده، ۱۳۸۸: ۱۸۱-۱۸۰)؛ بنابراین عملکرد خصمانه آمریکا و رژیم صهیونیستی حکایت‌گر آن است که شیوه نظامی جدید موسوم به «قتل هدفمند»:

اولاً منحصر به نظامیان و غیرنظامیان جنگجو نبوده،

و ثانیاً محدود به زمان و مکان خاصی نیست؛

درواقع، افراد چه به طور مستقیم و چه به طور غیرمستقیم در مخاصمه مشارکت داشته باشند و یا چه مخاصمات میان طرفین فعال باشد و چه به حالت تعلیق درآمده باشد، نیروهای دفاع آمریکا و رژیم صهیونیستی به خصوص نیروی هوایی آنها متوسل به حملات هدفمند می‌شوند.

آمریکا و رژیم صهیونیستی در به‌کارگیری «قتل هدفمند» بر این ایده تأکید می‌ورزند که آنها با یک دولت مشخص واجد نیروهای منظم نمی‌جنگند، بلکه با بازیگران غیردولتی که اقدامات خصمانه خود را بیشتر در قالب جنگ‌های چریکی انجام می‌دهند، مبارزه می‌کنند (احمد ابوهده، ۱۳۸۶: ۲۵). آنها مدعی هستند که مقررات ناظر بر نحوه هدایت مخاصمات مسلحانه بیشتر بر درگیری‌های مسلحانه که در آنها، هر دو طرف مخاصمه دولت بوده و با نیروهای منظم می‌جنگند، قابلیت اجرایی دارد و در نتیجه، بر مخاصمات مسلحانه‌ای که در آنها، یکی از دو طرف مخاصمه، دولت و طرف دیگر آن، بازیگر غیردولتی بوده و با نیروهای نامنظم غیرقانونی می‌جنگد، قابل اعمال نیست؛ بنابراین در فقدان چنین مقرراتی، آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌توانند برای حفظ امنیت خود از تاکتیک «قتل هدفمند» استفاده کنند.

واقعیت این است هر چند مقررات کافی راجع به درگیری‌های مسلحانه میان دولت‌ها و بازیگران غیردولتی وجود ندارد، ولی چنین خلأی به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند مجوزی بر تفسیر وسیع شیوه‌های نظامی خارج از چارچوب حقوق بشردوستانه باشد. قتل‌های هدفمندی که توسط رژیم صهیونیستی و آمریکا به مرحله اجرا درمی‌آیند، بیشتر در زمان صلح و خارج از صحنه نبرد اتفاق می‌افتند (Vlasic Mark, 2012: 268). چرا که آنها قائل به تفسیر موسع تاکتیک «قتل هدفمند» هستند. طبق این تفسیر، کشتن تروریست‌ها و عاملان مشارکت مستقیم و غیرمستقیم در مخاصمه محدود به زمان جنگ و میادین نبرد نیست، بلکه «قتل هدفمند» فرازمانی و فرامکانی است (Patel Mayur 5, 2004). سازمان‌های امنیتی آمریکا و رژیم صهیونیستی که در رأس آنها، سیا و موساد قرار دادند، تاکتیک نظامی پیشدستانه، پیشگیرانه و تهاجمی سازمان‌یافته به‌منظور بی‌اثر ساختن اعمال خصمانه بالفعل و بالقوه را

«قتل هدفمند» می‌نامند<sup>۲۴</sup>. تفسیر موسع «قتل هدفمند» به خاطر این که اقدامی «فراقضایی»<sup>۲۵</sup> (کشتن منهای دادرسی عادلانه) است، در بطن حقوق بشردوستانه نمی‌گنجد.

### ۳-۱. تفسیر مضیق تاکتیک «قتل هدفمند»

گفته شد، به نظر آمریکا و رژیم صهیونیستی، «قتل هدفمند» یعنی به‌کارگیری فرازمانی و فرامکانی زور علیه تروریست‌ها و غیرنظامیان مشارک در محاصمه؛ به عبارت دیگر، نیروهای مسلح آمریکا و رژیم صهیونیستی تحت عنوان «قتل هدفمند» از یک طرف، نه تنها به خاطر اعمال خصومت آمیز فعلی، بلکه به خاطر اعمال خصومت‌بار گذشته و آتی نیز اقدام به کشتار هدفمند می‌کنند (Patel Mayur, Op.cit: 7) و از طرف دیگر، نه تنها به افرادی حمله می‌کنند که به طور مستقیم در محاصمات مشارکت دارند، بلکه به افرادی که به طور غیرمستقیم در محاصمه مسلحانه شرکت می‌کنند، نیز حمله می‌نمایند (The National Commission on Terrorist Attacks Upon the United States, 2004:132). درحالی که حقوق بشردوستانه به‌کارگیری هر نوع شیوه نظامی را محدود به زمان محاصمه و صحنه نبرد می‌داند. به رغم این که این حقوق به اصطلاح «قتل هدفمند» اشاره نمی‌کند، اما با توجه به قابلیت اعمال آن بر همه نوع درگیری‌های مسلحانه یعنی صرف نظر از شکل و نوع محاصمه می‌تواند، مفهوم آن را روشن سازد.

از منظر حقوق بشردوستانه، دو ایراد اساسی بر نگرش آمریکا و رژیم صهیونیستی به تاکتیک «قتل هدفمند» وارد است: مبهم بودن زمان و مکان قتل‌های هدفمند و فقدان وجاهت حقوقی حملات هدفمند علیه اشخاصی که در گذشته مرتکب اقدامات خصمانه شده‌اند و یا این که بالقوه خطرآفرین هستند؛ بنابراین تعریف موسع و مبهمی که آمریکا و رژیم صهیونیستی از «قتل هدفمند» ارائه می‌کنند، به طور کامل مغایر با حقوق بشردوستانه است (Solis, Gary, 2007: 128-129)؛ زیرا که طبق این حقوق، طرفین نبرد اجازه می‌یابند که در استفاده از شیوه‌های نظامی، فقط با رعایت شرایطی به نیروهای طرف مقابل اعم از قانونی و غیرقانونی حمله نمایند:

اولاً افراد موردحمله بایستی به طور مستقیم در محاصمه مسلحانه شرکت نمایند؛

ثانیاً اختیار طرفین نبرد برای کشتن افراد محدود به صحنه‌های نبرد است، نه خارج از آنها؛

ثالثاً فقط به خاطر ارتکاب اعمال خصمانه آنی می‌توان فرد را مورد هدف قرارداد، نه به خاطر اعمال خصمانه گذشته و آتی.

<sup>24</sup>. Cf Burston Bradley, Background/Intifada Hebrew, a glossary

<sup>25</sup>. Extra-judicial killing.

طبق الزامات فوق، به کارگیری «قتل هدفمند» به عنوان یک شیوه نظامی نوین می‌بایست در چهارچوب حقوق بشردوستانه لازم‌الاجرا بر هر نوع مخاصمه صرف نظر از شکل و نوع آن باشد؛ به عبارت دیگر، این نوع قتل لازم است در زمان جنگ، در میادین نبرد و فقط در قبال افرادی باشد که به طور مستقیم در مخاصمه مسلحانه شرکت می‌کنند<sup>۲۶</sup>؛ بنابراین طبق حقوق بشردوستانه، اعمال خصمانه تدافعی و یا تهاجمی سازمان‌دهی شده در حین مخاصمات برای حمله به افراد (مبارزان غیرقانونی) در میادین نبرد «قتل هدفمند» نام دارد. چنین تعریف مضیقی به هم سو و به صلاح حقوق بشردوستانه است.

## ۲. امکان سنجی مشروعیت و عدم مشروعیت «قتل هدفمند»

آمریکا و رژیم صهیونیستی برای قانونی جلوه دادن به کارگیری استراتژی «قتل هدفمند» در راستای حقوق بین‌الملل مخاصمه، به «دفاع مشروع»<sup>۲۷</sup> استناد می‌کنند و همان‌طوری که بیان شد، علاوه بر زمان مخاصمه و صحنه نبرد، در زمان صلح و خارج از صحنه نبرد نیز به تروریست‌ها و مبارزان غیرقانونی مشارک در مخاصمات مسلحانه حمله می‌کنند؛ بنابراین این تاکتیک نوین موضوعی مشترک میان حقوق بین‌الملل توسل به زور (حقوق بر مخاصمه)، حقوق بشردوستانه (حقوق در مخاصمه) و حقوق بشر است.

## ۲-۱. حقوق بر مخاصمه/حقوق توسل به زور

حقوق بین‌الملل حاکم بر قانونی و یا غیرقانونی بودن کاربرد زور «حقوق بر جنگ» و یا اصطلاح امروزی آن «حقوق بر مخاصمه» نام دارد که البته با عنوان «حقوق بین‌الملل توسل به زور» نیز قابل نام‌گذاری است. مهم‌ترین موضوعات مرتبط با «قتل هدفمند» که زیر عنوان این حقوق مطرح می‌شوند، دفاع مشروع و «اقدامات خصمانه تلافی‌جویانه»<sup>۲۸</sup> است.

<sup>۲۶</sup>. برای مطالعه بیشتر در خصوص مفهوم شرکت مستقیم در مخاصمه و آثار مترتب بر آن، ر. ک:

a. Michael N. Schmitt, *Direct Participation in Hostilities and 21 Century Armed Conflicts*, P.19–20.

b. Quéguiner, Jean-François, *La participation directe aux hostilités en droit international humanitaire*, CICR, Genève, Septembre 2003.

c. Nils Melzer, *Direct Participation in Hostilities under International Humanitarian Law*, Second Expert Meeting, ICRC and TMC Asser Institute, the Hague, 25–26 October 2004.

d. Melzer, Nils, *Third Expert Meeting on the Notion of Direct Participation in Hostilities*, ICRC and TMC Asser Institute, Geneva, 23 – 25 October 2005.

<sup>۲۷</sup>. Self- Defense.

<sup>۲۸</sup>. Belligerent reprisals.

## ۱-۲-۱. دفاع مشروع

آمریکا و رژیم صهیونیستی مدعی هستند که چون طبق حق دفاع مشروع می‌توانند در قالب دفاع از خود، نیروهای مبارز طرف مقابل را به صورت هدفمند مورد حمله قرار دهند، «قتل هدفمند» قانونی است (Kenneth, Anderson 2009: 11-12)؛ بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که آیا چنین اقدامی در قالب دفاع مشروع بوده و در نتیجه، قانونی است یا نه؟

طبق بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد، توسل به زور ممنوع است. البته چنین ممنوعیتی مطلق نیست و با در نظر گرفتن اهداف منشور ملل متحد دو استثناء بر آن وجود دارد: دفاع مشروع فردی و جمعی و اقدامات نظامی شورای امنیت (ماده ۵۱ و مواد ۳۹-۴۳ منشور ملل متحد). در اصل، به کارگیری زور از سوی دولت‌ها مغایر با حقوق بین‌الملل توسل به زور است، مگر این‌که در چارچوب یکی از استثنائات فوق و یا این‌که در راستای تحقق اهداف ملل متحد انجام شود. منظور از عبارت اخیر، بیشتر توسل به زور از سوی جامعه جهانی در قالب مداخله بشردوستانه و یا اصطلاح امروزی آن «مسئولیت حمایت»<sup>۲۹</sup> است.<sup>۳۰</sup>

دفاع مشروع حقی است که هر کشوری بر اساس آن می‌تواند در مقابل حمله مسلحانه با عکس‌العمل نظامی فوری از خود دفاع نماید (محمدتقی نادری، ۱۳۵۱: ۵ و ۲۷)؛ به عبارت دیگر، کاربرد قانونی زور در پاسخ به استفاده غیرقانونی از زور را دفاع مشروع می‌نامند (فریده محمدعلی پور، ۱۳۷۹: ۸۸). با تکیه بر دفاع مشروع، آمریکا معتقد است همان‌طوری که حمله به مراکز تجارت جهانی حمله مسلحانه محسوب می‌شود، حملات موشکی حزب‌الله و حماس علیه رژیم صهیونیستی نیز حمله مسلحانه است و در نتیجه، رژیم صهیونیستی می‌تواند با استناد به دفاع مشروع، اقدام به حملات هدفمند علیه این گروه‌ها نماید (Patel Mayur, 2004: 7). حال این سؤال نیز مطرح می‌شود چه نوع حملاتی مسلحانه بوده و مجوزی بر صدور دفاع مشروع است؟

بدیهی است هر نوع حمله‌ای، مسلحانه محسوب نمی‌شود و در نتیجه، نمی‌تواند منجر به تحقق دفاع مشروع مندرج در منشور ملل متحد شود. به رغم تأکید منشور بر قید «حمله مسلحانه» در ماده ۵۱، تعریف آن مسکوت مانده

<sup>29</sup>.Responsibility to protect.

<sup>۳۰</sup>. برای مطالعه جامع راجع به ماهیت «مسئولیت حمایت»، ر.ک: مرتضی نجفی اسفاد، بررسی حقوقی دکترین «مسئولیت حمایت» در حقوق بین‌الملل، جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱ (مجموعه مقالات هدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی)، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش و خانه اندیشمندان علوم انسانی، تهران، ۱۳۹۲.

است. نیز، مقررۀ فوق به دفاع مشروع دولت‌ها در مقابل دولت‌های دیگر می‌پردازد، بدون این که اشاره‌ای به دفاع مشروع دولت‌ها در برابر بازیگران غیردولتی داشته باشد.

در نگاه اول، حملۀ مسلحانه به این معنا است که نیروهای نظامی دولت مهاجم ضمن گذر از مرزهای خود به مرزهای کشور دیگر تجاوز نماید (فریده محمدعلی‌پور، ۱۳۷۹: ۹۰). دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی خود در قضیۀ «نیکاراگوئه»، علاوه بر این که عملیات نظامی ارتكابی توسط نیروی منظم را مشمول حملۀ مسلحانه می‌داند، تصریح می‌کند که عملیات نظامی صورت گرفته به وسیله نیروهای نامنظم نیز می‌تواند حملۀ مسلحانه تلقی شود. به زعم دیوان در این رأی، عملیات نظامی نامنظم فقط در صورتی مسلحانه محسوب می‌شود که پهنه و آثار آن در حد و اندازه عملیات نظامی منظم باشد (فلک دیتز، میشل باث و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۰). به نظر می‌رسد که منظور دیوان از عملیات نظامی نامنظم، عملیاتی است که توسط نیروهای نامنظم دولتی صورت می‌گیرد، نه از سوی نیروهای نامنظم غیرقانونی وابسته به بازیگران غیردولتی؛ بنابراین به لحاظ گستردگی نمی‌توان عملیات نظامی ارتكابی به وسیله گروه‌های غیردولتی را حملۀ مسلحانه تلقی نموده و در مقابل آن به دفاع مشروع متوسل شد<sup>۳۱</sup>، مگر این که حملات مسلحانۀ ارتكابی به وسیله بازیگران غیردولتی به وسعت حملات مسلحانۀ ارتكابی از سوی دولت‌ها باشد. برای مثال، حمله به برج‌های تجارت جهانی یک نوع حملۀ مسلحانه تلقی می‌شود و در نتیجه، دفاع مشروع در برابر آن قانونی است. با این حال، در قیاس با امکانات نظامی دولت‌ها، بازیگران غیردولتی به لحاظ تسلیحاتی از قدرت نظامی چندان بر خوردار نیستند که قادر باشند، بر ضد دولت‌ها دست به حملۀ مسلحانه بزنند و البته حملۀ مسلحانه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ استثنائی بیش نیست. نیز، دیوان در رأی مشورتی خود در مورد «احداث دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین»، استناد رژیم صهیونیستی به دفاع مشروع را نمی‌پذیرد (حمیدرضا دهقانی‌پور، ۱۳۸۷: ۷۹۹)؛ بنابراین امروزه در حقوق بین‌الملل توسل به زور، اصل بر استناد به دفاع مشروع در برابر دولت‌هاست، نه علیه بازیگران غیردولتی. به بیان دیگر، توسل به دفاع مشروع در برابر بازیگران غیردولتی استثناء محسوب می‌شود.

گفته شد، جواز دفاع مشروع فقط در اثر وقوع حملۀ مسلحانه صادر می‌شود که این مجوز ریشه در مفهوم کلاسیک دفاع مشروع و یا به تعبیر رساتر، تفسیر مضیق آن دارد؛ اما با ورود بازیگران غیردولتی به عرصه مخاصمات مسلحانه و امکان دستیابی آنها به فنون و تسلیحات نظامی پیشرفته، امروزه دفاع مشروع به صورت موسع تفسیر می‌شود.

---

۳۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص استناد به دفاع مشروع در برابر بازیگران غیردولتی، رک: عباسعلی کدخدایی و شهرام زرنشان، امکان توسل به دفاع مشروع برای مبارزه با تروریسم، مجله پژوهش حقوقی، موسسۀ مطالعات پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، بهار و تابستان ۱۳۸۶، شماره ۱۱، صص ۸۵-۱۲۸.

ماحصل تفسیر موسع دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور ملل متحد، ظهور نظریه‌های «دفاع مشروع پیش‌دستانه»<sup>۳۲</sup> و «دفاع مشروع پیش‌گیرانه»<sup>۳۳</sup> است. به این ترتیب که دفاع مشروع پیش‌دستانه در قبال حملات مسلحانه سابق و جلوگیری از تداوم چنین حملاتی امکان پذیر است که نمونه بارز آن، حمله آمریکا به افغانستان بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر است و دفاع مشروع پیش‌گیرانه در قبال حملات مسلحانه قریب‌الوقوع مورد استناد قرار می‌گیرد که در سال ۲۰۰۱ میلادی، حمله آمریکا به عراق در بطن این نوع دفاع قابل تأمل است. بر این اساس، آمریکا و رژیم صهیونیستی با مبنا قراردادن دفاع مشروع پیش‌دستانه و حتی دفاع مشروع پیش‌گیرانه بدون این که حمله مسلحانه‌ای از طرف بازیگران غیردولتی انجام شده باشد و یا این که در آستانه چنین حمله‌ای باشند، اقدام به حمله مسلحانه علیه این گروه‌ها می‌کنند. حال سؤال این است که آیا آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌توانند با محوریت تفسیر موسع ماده ۵۱ منشور ملل متحد، به طور عام اقدام به حمله مسلحانه و به طور خاص اقدام به «قتل هدفمند» نمایند؟

کشورهای غربی به‌ویژه دولت آمریکا مدام بر این امر تأکید دارند که توسل به دفاع مشروع تنها محدود به وقوع حمله مسلحانه نیست، بلکه مقاصد خصومت‌آمیز سابق و احتمالی نیز می‌تواند جوازی بر توسل به دفاع مشروع باشد (جمشید ممتاز، ۱۳۷۶: ۳۰). به زعم دولت آمریکا با تکیه بر قضیه «کارولین»<sup>۳۴</sup> می‌توان دفاع مشروع پیش‌دستانه را به عنوان عرف بین‌المللی مورد شناسایی قرارداد (Patel Mayur, 2004: 7)؛ اما بدیهی است که قضیه کارولین موردی خاص است و در نتیجه، آثار آن قابل‌تعمیم به سایر موارد مشابه نیست. نیز، شورای امنیت سازمان ملل متحد بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی با صدور قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ قائل به دفاع مشروع پیش‌دستانه است (فلک دیترا، میشل باث و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۰).  
به رغم این که جامعه جهانی به سمت تفسیر موسع ماده ۵۱ منشور حرکت می‌کند، اما دفاع مشروع پیش‌دستانه هنوز کاملاً به قرارداد و یا عرف بین‌المللی تبدیل نشده است.<sup>۳۵</sup>

<sup>32</sup>.Anticipatory Self- defense.

<sup>33</sup>.Pre-emptive self-defense.

<sup>34</sup>. قضیه کارولین اختلاف بین آمریکا و انگلیس است که در سال ۱۸۳۴ میلادی در پی عبور سربازان انگلیسی از قلمرو آمریکا به منظور حمله به کشتی مسلح حامل شورشیان در کانادا اتفاق افتاد.

<sup>35</sup>. برای مطالعه بیشتر در خصوص چرایی و چیستی دفاع مشروع پیش‌دستانه، ر.ک: کمال‌الدین محمدرفعی، بررسی حقوقی دکترین دفاع مشروع پیش‌دستانه، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۸۲، ص ۶۳-۹۴.

علاوه بر این، توسل به دفاع مشروع پیشگیرانه نظر به این که موجب ناهنجاری در جامعه جهانی می‌شود، نیز به صلاح حقوق بین‌الملل نیست. البته در بطن جنگ علیه تروریسم، استناد به این نوع دفاع در برابر گروه‌های تروریستی که از تسلیحات نظامی پیشرفته برخوردار هستند، قابل تأمل است.

با توجه به تحلیل فوق، در یک ارزیابی کلی می‌توان بر این ایده تأکید داشت که در فقدان حقوق بین‌الملل قراردادی و عرفی راجع به تفسیر موسع ماده ۵۱ منشور، نمی‌توان به طور عام در قبال حملات مسلحانه مسبوق به سابقه و قریب‌الوقوع قائل به دفاع مشروع اعم از دفاع مشروع پیشدستانه و دفاع مشروع پیشگیرانه شد و در نتیجه، آمریکا و رژیم صهیونیستی نمی‌توانند با استناد به ماده ۵۱ منشور و تفاسیر ناظر بر آن، «قتل هدفمند» را قانونی جلوه دهند. با توجه به نتیجه گیری فوق، چنین به نظر می‌رسد که حملات هدفمند چیزی جز اقدامات خصمانه تلافی‌جویانه نیست.

## ۲-۲-۱. اقدام خصمانه تلافی‌جویانه

اشاره شد، در بطن حقوق بین‌الملل توسل به زور، «قتل هدفمند» نه بر اساس تفسیر مضیق و نه بر اساس تفسیر موسع ماده ۵۱ منشور توجیه حقوقی ندارد. حالا این سؤال پیش می‌آید که آیا «قتل هدفمند» به عنوان اقدام خصمانه تلافی‌جویانه محسوب می‌شود یا نه؟

به نظر می‌رسد حملات هدفمند نیروهای دفاع آمریکا و رژیم صهیونیستی به ترتیب علیه اعضای گروه‌های تروریستی و مبارزان لبنانی و فلسطینی مشارک در مخاصمات، اقدام خصمانه تلافی‌جویانه است که به منظور تلافی اقدامات خصمانه مبارزان غیرقانونی و عملیات شهادت طلبانه و یا استشهادی صورت می‌گیرد (ابراهیم عبدالکریم، ۱۳۸۳: ۹۱). در نظام حقوقی اسلام، عملیات شهادت طلبانه به اقدامی اطلاق می‌شود که شخصی با قصد قربت و با علم به کشته شدن خود به منظور ضربه زدن به دشمن به انجام آن مبادرت می‌ورزد (جواد ورعی، ۱۳۸۲: ۳۱۹).

چنین اقدام خصمانه‌ای در قالب جهاد دفاعی قرار داشته، اکثریت فقها آن را مشروط بر این که علیه نیروهای نظامی و یا در قبال غیرنظامیان مشارک در نبردها باشد، جایز می‌دانند؛ اما در حقوق بین‌الملل به‌ویژه شاخه حقوق بشر، عملیات استشهادی و یا به اصطلاح حملات انتحاری غیرقانونی تلقی می‌شود. چرا که طبق حقوق بشردوستانه، انسان‌ها صاحب حق بوده و نه تنها دیگران مجاز نیستند که چنین حقی را نادیده بگیرند، بلکه صاحبان حق نیز نمی‌توانند از حقوق خود اعراض کنند (ناصر قربان‌نیا و جمشید ممتاز، ۱۳۸۵: ۹).

و اما صرف نظر از مشروع و یا نامشروع بودن عملیات استشهادهی در حقوق بین‌الملل، به‌رغم این‌که اقدامات خصمانه تلافی‌جویانه در حقوق بین‌الملل کلاسیک تا حدودی قانونی بود، ولی در حقوق بین‌الملل معاصر، قانونی بودن آن محل تردید است (فلک دیترا، میشل باث و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۴). امروزه در حقوق بشردوستانه عرفی، رویه‌ای در شرف شکل‌گیری است که به طور کلی اقدامات خصمانه تلافی‌جویانه را غیرقانونی اعلام کند. طبق حقوق بشردوستانه عرفی، در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی در مواردی که دولت‌ها به اقدامات خصمانه تلافی‌جویانه متوسل می‌شوند، ملزم هستند این‌گونه اقدامات را با رعایت شرایطی مانند الزام طرف ناقض حقوق بشردوستانه به تبعیت از قوانین نقض شده، آخرین و تنها راه حل بودن اقدام خصمانه تلافی‌جویانه، تناسب اقدام خصمانه تلافی‌جویانه با اقدام خصمانه غیرقانونی طرف مقابل و بالاخره اقدام به اعمال خصمانه تلافی‌جویانه منتسب به تصمیم بالاترین مقامات دولتی باشد (ژان ماری هنکرتز و لوئیس دوسوالد بک و دیگران، ۱۳۸۷: قاعده ۱۴۵)؛ در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، اقدامات خصمانه تلافی‌جویانه علیه اشخاص مورد حمایت از جمله مجروحان، بیماران، اسرا و غیرنظامیان تحت اختیار طرف مقابل ممنوع است و در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی، طرفین مخاصمه حق ندارند که به اقدامات خصمانه تلافی‌جویانه متوسل شوند (همان، قواعد ۱۴۶ و ۱۴۸)؛ به عبارت دیگر، اقدامات خصمانه تلافی‌جویانه از یک طرف، بایستی متناسب با خطای اصلی باشد و از طرف دیگر، نبایستی علیه افراد بی‌گناه صورت بگیرد (محمود مسائلی و عالیه ارفعی، ۱۳۷۱: ۱۳۲)؛ بنابراین «قتل هدفمند» به عنوان اقدام خصمانه تلافی‌جویانه فقط در قبال غیرنظامیانی که به طور مستقیم در مخاصمات شرکت می‌کنند و البته با رعایت شرایطی، قابل استناد است. با این حال، هیچ‌کدام از محدودیت‌های حقوقی مندرج در نظام حقوق بشردوستانه در اجرای تاکتیک «قتل هدفمند» از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی مشاهده نمی‌شود.

## ۲-۲. حقوق در مخاصمه / حقوق بشردوستانه

مقررات بین‌المللی حاکم بر روابط خصمانه طرفین نبرد یعنی نحوه هدایت مخاصمات، «حقوق در مخاصمه» و اصطلاح امروزی آن «حقوق بشردوستانه» نام دارد. مطابق با این حقوق، هدایت مخاصمات بی‌قید و بند نیست؛ حتی اعمال خصمانه هم باید با محوریت قواعد حقوقی باشد که ناظر بر نحوه رفتار با افراد در جریان مخاصمه مسلحانه است (ناصر قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۴۰). طبق قاعده مسلم حقوقی، اختیار طرفین مخاصمه در استفاده از روش‌های جنگی نامحدود نیست؛ بنابراین هر نوع تاکتیک نظامی برای حمله به افراد بایستی با مراعات حقوق



بشردوستانه باشد و در نتیجه، به‌کارگیری فنون نظامی خارج از چهارچوب حقوق بشردوستانه مجاز نیست. در ادامه بحث، سؤال اصلی این است که «قتل هدفمند» تحت چه شرایطی مطابق با حقوق بشردوستانه است؟ طبق حقوق بشردوستانه، حمله به افراد و کشتن آنها مجاز است، ولی چنین جوازی منوط به رعایت شرایطی است: اولاً حمله به افراد اعم از مبارزان قانونی و غیرقانونی بایستی در زمان مخاصمات فعال باشد، نه در زمان تعلیق آن و یا زمان آتش بس؛

ثانیاً فقط حمله به غیرنظامیان مشارک مستقیم در مخاصمه مجاز است، نه مشارک غیرمستقیم؛ و ثالثاً غیرنظامیان مشارک مستقیم بایستی به دشمن صدمه زده و یا در آستانه صدمه زدن باشند. بنابراین اگر آمریکا و رژیم صهیونیستی در حملات هدفمند خود الزامات فوق را رعایت کنند، صرف نظر از عنوان خاص آن، چنین اقدامی مجاز است (Nils Melzer, 2009: 48-49)؛ اما عملکرد نیروهای دفاع آمریکا و رژیم صهیونیستی حاکی از آن است که در درگیری‌های مسلحانه میان ارتش آمریکا و رژیم صهیونیستی به ترتیب با گروه‌های تروریستی و گروه‌های مبارز لبنانی و فلسطینی شرایط مذکور به‌هیچ‌وجه مراعات نمی‌شوند؛ زیرا که هدف آمریکا و رژیم صهیونیستی از انتخاب تاکتیک «قتل هدفمند» بسط اختیار خود در حمله به افراد است.<sup>۳۶</sup> رژیم صهیونیستی بر این باور است که طبق حقوق بشردوستانه به‌ویژه کنوانسیون چهارم ژنو، به‌منظور حفظ امنیت خود مجاز به اتخاذ اقدامات خصمانه علیه گروه‌های مبارز فلسطینی و لبنانی است و این گروه‌ها به خاطر این که دولت محسوب نمی‌شوند، نمی‌توانند خواستار اجرای حقوق بشردوستانه باشند؛ چه که طبق حقوق بشردوستانه، فقط دولت‌ها صاحب حقوق و تکالیف هستند، نه گروه‌های غیردولتی (لیزا حجار، ۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۷۱). چنین استدلالی نظر به این که فلسطین یک سرزمین اشغالی است و در نتیجه، کنوانسیون‌های ژنو در آن قابلیت اجرایی دارند، مطرود است (همان: ۱۷۳).

طبق حقوق بشردوستانه، اگر فرد غیرنظامی در سرزمین‌های اشغالی به‌صورت مستقیم و فعال در مخاصمات مسلحانه شرکت کند، کشتن او جایز است، ولی به شرطی که در بازه زمانی مشارکت مستقیم و یا فعال باشد<sup>۳۷</sup>؛ اما رژیم صهیونیستی خلاف این مقرر با عنوان «قتل هدفمند» به محل سکونت افرادی که به ادعای رژیم

<sup>36</sup>. Cf Targeted Killing as an Element of U.S. Foreign Policy in the War on Terror, School of Advanced Military Studies, United States Army Command and General Staff College, Fort Leavenworth, Kansas.

<sup>37</sup>. Cf Les Protocoles additionnels aux Conventions de Genève du 12 août 1949 relatif à la protection des victimes des conflits armés internationaux et non-internationaux adoptés en 1977, Protocole I: Article 53 (3) et Protocole I, Article 13 (3): "Civilians shall enjoy the protection afforded by this section unless and for such time as they take a direct part in hostilities".

صهیونیستی قبلاً در درگیری‌های مسلحانه مشارکت مستقیم و فعال داشته‌اند، حمله می‌کند و حتی به رهبران غیرنظامی مذهبی و سیاسی حمله می‌کند که نقش غیرمستقیمی در هدایت مخاصمات مسلحانه دارند. در حوزه حقوق بشردوستانه، به طور کلی سه نظریه در خصوص «قتل هدفمند» مطرح می‌شود: نظریه اول با استناد به قابلیت اعمال حقوق بشردوستانه بر جنگ علیه تروریسم و درگیری‌های مسلحانه با بازیگران غیردولتی، «قتل هدفمند» را غیرقانونی می‌داند؛ نظریه دوم با استناد به تحول طرفین درگیری‌های مسلحانه و نحوه هدایت آن «قتل هدفمند» را قانونی می‌داند؛ و نظریه سوم نیز با تصریح بر این که حملات هدفمند به لحاظ جغرافیایی و زمانی محدود به منطقه و زمان خاصی نیست، «قتل هدفمند» را قانونی می‌داند (Nils Melzer, 2008: 44). در نگاه برخی غربی‌ها به نظر می‌رسد نظریه اول بیشتر مبتنی بر حقوق بشردوستانه است، اما نظریه دوم عملکرد دولت‌ها را مدنظر قرار می‌دهد و نظریه سوم علاوه بر این که به عملکرد دولت‌ها توجه می‌کند، متأثر از اقدامات فراقانونی دولت‌ها در مبارزه علیه تروریسم است. در مجموع، با توجه به این که از یک طرف، عملکرد دولت‌ها در خصوص «قتل هدفمند» تا به امروز مبدل به رویه بین‌المللی نشده است و از طرف دیگر، حقوق بشردوستانه به‌ویژه در زمینه مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی نیازمند توسعه است، نظریه دوم به شرطی ارجحیت دارد که «قتل هدفمند» در زمان مخاصمه و میدان نبرد باشد.

در پی تشدید به کارگیری تاکتیک «قتل هدفمند» توسط رژیم صهیونیستی، «انجمن فلسطینی حمایت از حقوق بشر و محیط زیست»<sup>۳۸</sup> با همکاری «کمیته ضد شکنجه رژیم صهیونیستی»<sup>۳۹</sup> در سال ۲۰۰۲ طی دادخواستی با محوریت لزوم ممنوعیت «قتل هدفمند» دعوایی را علیه سران سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی در دیوان عالی رژیم صهیونیستی طرح نمود؛ اما این دیوان در تاریخ ۱۴ دسامبر ۲۰۰۶، بیشتر به‌صورت مصلحتی عمل نمود و اعلام کرد که همه قتل‌های هدفمند غیرقانونی نیستند، بلکه بسیاری از آنها در راستای حقوق بشردوستانه ناظر بر هدایت مخاصمات است (The Public Committee Against Torture in Israel v The Government of Israel, 2006: Para 61). متأسفانه حکم دیوان مذکور منفذی بر مشروعیت و دوام «قتل هدفمند» تلقی گردیده است. در مجموع، می‌توان گفت که طبق حقوق بشردوستانه، کشتن افراد مشارک مستقیم در مخاصمه تحت عنوان «قتل هدفمند» در میادین مخاصمات جایز است، ولی نگرش موسع رژیم صهیونیستی با عنوان اخیر غیرقانونی است؛ به عبارت دیگر، این نوع قتل زمانی و مکانی است، نه فرازمانی و فرامکانی.

<sup>38</sup>.Palestinian Society for the Protection of Human Rights and the Environment.

<sup>39</sup>.The Public Committee against Torture in Israel.

## ۲-۳. حقوق بشر

بررسی «قتل هدفمند» از منظر حقوق بشر نیز واجد اهمیت است. حقوق بشردوستانه زمانی لازم‌الاجرا می‌گردد که مخاصمات مسلحانه در حال جریان باشد. حال آن که حقوق بشر، حقوقی است که همگان در همه زمان‌ها و همه مکان‌ها از آن برخوردار هستند، چه زمان مخاصمه باشد و چه زمان صلح. البته نباید نادیده انگاشت که حقوق بشر در زمان مخاصمه مسلحانه تعلیق پذیر است<sup>۴۰</sup>. (در میان حقوق احصا شده در اسناد حقوق بشری، تفکیکی میان حقوق قابل تعلیق و غیرقابل تعلیق وجود دارد). در اینجا، منظور از حقوق بشر، حقوق بنیادین غیرقابل تعلیق در زمان مخاصمه مسلحانه است که هم‌زمان با حقوق بشردوستانه بر طرفین درگیری‌های مسلحانه لازم‌الاجرا است. حقوق بنیادین بشر، حقوقی است که اجرای آنها مشروط به هیچ قید و بندی نیست و همه انسان‌ها در هر زمان و هر مکانی بدون هیچ‌گونه قیودی از آنها برخوردار می‌باشند.

دیوان بین‌المللی دادگستری در بسیاری از آرای خود از جمله رأی مشورتی خود در ۹ ژوئیه سال ۲۰۰۴ راجع به «ساخت دیوار حائل در سرزمین اشغالی فلسطین» و یک سال بعد، بار دیگر در رأی ترافعی خود در «دعوی کنگو علیه اوگاندا» به صراحت بر قابلیت اعمال هم‌زمان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در زمان مخاصمه مسلحانه تأکید می‌کند. نیز، این دیوان در رأی مشورتی سال ۱۹۹۶ خود در مورد «مشروعیت به کارگیری سلاح هسته‌ای»، حمایت‌های مقرر در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را حقوق بنیادین تلقی کرده و اجرای آنها را در هر زمانی به خصوص زمان مخاصمه مسلحانه که امکان نقض حقوق بنیادین بشر بیش از زمان صلح وجود دارد، خواستار می‌گردد (ناصر قربان نیا، ۱۳۸۷: ۳۵۰).

یکی از حقوق بنیادین بشر، «حق حیات»<sup>۴۱</sup> به عنوان اساسی‌ترین حق انسان است. در میان حقوقی که مکاتب، مذاهب و ادیان برای بشر قائل هستند، حق حیات به مثابه چشمه‌ای خروشان است که سایر حقوق انسان از آن می‌جوشد (حمید آگاه، ۱۳۸۲: ۱۶۲). به طوری که می‌توان گفت، هیچ حقی به اندازه حق حیات تعالی بخش کرامت و منزلت انسانی نیست. در واقع، هر حقی که برای انسان در نظر گرفته می‌شود، وابسته به تحقق حق حیات است و به تعبیر رساتر، بهره‌مندی از سایر حقوق، متوقف بر حق حیات است (محمد سید فاطمی، ۱۳۷۹: ۱۵۰). حق حیات، حقی است که نسبت به سایر حقوق، در قرآن و نهج البلاغه نیز بیشتر مورد توجه قرار گرفته و احترام

<sup>۴۰</sup>. راجع به نهاد تعلیق در نظام بین‌الملل حقوق بشر، ر. ک: قربان نیا، ناصر: تعلیق اجرای حقوق بشر در شرایط اضطراری، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۶.

<sup>۴۱</sup>. Droit de la vie.

به آن توصیه شده است (همان: ۱۶۶)؛ بنابراین تا زمانی که حق حیات محقق نشود، سخن گفتن از دیگر حقوق انسان موجه نیست. در کل، می‌توان اذعان داشت که حقوق بشر در حق حیات خلاصه می‌شود.

به رغم جایگاه والای حق حیات در نظام بین‌المللی حقوق بشر، به طرق مختلف به‌ویژه در وضعیت‌های اضطراری، این حق بیشتر از سایر حقوق بنیادین بشر نقض می‌شود. برای مثال، اقدام خصمانه «قتل هدفمند» ناقض حق حیات است؛ زیرا که آمریکا و رژیم صهیونیستی آن را هم در زمان مخاصمه مسلحانه و هم در زمان صلح اجرا می‌کنند. البته در زمان مخاصمه، نیز به ندرت مشاهده می‌شود که آمریکا و رژیم صهیونیستی کشتارهای هدفمند را در بنبوحه مخاصمات و در عرصه‌های نبرد انجام دهند، بلکه چنین عملی بیشتر در خارج از عرصه مخاصمات مسلحانه ارتکاب می‌یابد؛ بنابراین جامعه جهانی به‌ویژه سازمان ملل متحد چنین اقدامی را فراقانونی و فرا قضایی تلقی نموده و خواستار توقف آن شده است.<sup>۴۲</sup> حال این سؤال مطرح می‌شود که تأثیر حقوق بشر بر «قتل هدفمند» چیست؟

رژیم صهیونیستی با تأکید بر دیدگاه کلاسیک راجع به رابطه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه یعنی غیرقابل اجرا بودن هم‌زمان حقوق بشر و بشردوستانه، مدعی است که حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین قابل اجرا نیست (ناصر قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۳۵۰). بدیهی است که استدلال رژیم صهیونیستی نظر به این که امروزه طبق یک اجماع جهانی، حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه از اجرا باز نمی‌ماند، واهی است. نیز، آمریکا در جنگ علیه تروریسم، قائل به اجرای سرزمینی حقوق بشر بود (Anderson, Kenneth, 2010: 14) که این نگرش آمریکا به شدت با اعتراض سازمان عفو بین‌الملل مواجه شد.<sup>۴۳</sup> نظر آمریکا نیز با توجه به این که امروزه حقوق بشر، حقوقی فرا سرزمینی و فرا تابعیتی است، مردود است؛ بنابراین «قتل هدفمند» نمی‌تواند منجر به سلب حق حیات شود. البته در اینجا، منظور حمایت از حق حیات افرادی است که به طور مستقیم در مخاصمات مسلحانه شرکت نمی‌کنند؛ یا این که قبلاً به طور مستقیم در مخاصمات مسلحانه شرکت کرده‌اند و یا قصد دارند، در آینده نزدیک در مخاصمات مسلحانه شرکت کنند و یا این که به طور غیرمستقیم احساسات میهن‌پرستانه خودشان را نشان می‌دهند، نه حمایت از حق حیات کسانی که مستقیماً در مخاصمات مسلحانه شرکت می‌کنند. علاوه بر این، همان‌طوری که بیان شد، امروزه الزام به حقوق بشر فقط منحصر به قلمرو داخلی تحت حاکمیت دولت‌ها در برابر شهروندان خودی نیست، بلکه آنها ملزم هستند که در خارج از سرزمین خود و در برابر غیر اتباع نیز حقوق بشر

<sup>42</sup>. Cf United Nations, General Assembly, Human Rights Council, Fourteenth session, Fourteenth session, Study on targeted killings, A/HRC/14/24/Add.6, 28 May 2010.

<sup>43</sup>. Cf Amnesty International USA "An Extrajudicial Execution by the CIA?" Amnesty International, 18May2005.

را رعایت نمایند (Nils Mezer, 2008: 137). دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی «ساخت دیوار حائل» در قبال ایراد رژیم صهیونیستی مبنی بر غیرقابل اجرا بودن میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تأکید می‌کند که میثاق در خصوص اقدامات انجام شده از سوی یک دولت در راستای اعمال صلاحیت در خارج از سرزمین خود قابلیت اجرایی دارد (علی قنبرنژاد، ۱۳۸۶: ۶۹). بر همین اساس، رژیم صهیونیستی ملزم به اجرای حقوق بشر به‌ویژه حق حیات در سرزمین‌های اشغالی فلسطین است. طبق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، اعلامیه اسلامی حقوق بشر، حق حیات یک حق فرازمانی و فرامکانی است<sup>۴۴</sup> و عدم رعایت آن منجر به مسئولیت متخلف در قبال جامعه جهانی می‌شود (ابراهیم بیگزاده، ۱۳۷۹: ۲۵۶). علاوه بر این، گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، «الستون» و «آشتون»، در گزارش‌های خود با عنوان «اعدام‌های فراقانونی، خودسرانه و اختصاری» نیز «قتل هدفمند» را در خارج از عرصه‌های نبرد و زمان صلح، عملی فراقانونی و در نتیجه، به خاطر نقض بارز حق حیات غیرقانونی اعلام نموده‌اند<sup>۴۵</sup>؛ بنابراین اقدام آمریکا و رژیم صهیونیستی در به‌کارگیری «قتل هدفمند» در زمان صلح، ناقض حقوق بشر است.

در پایان نوشتار، مفید می‌نماید، ذکر گردد که جامعه جهانی می‌تواند/ می‌بایست با به‌کارگیری ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه نظام حقوق بین‌الملل که در این مقاله بخشی از آنها مورد فکر و بررسی قرار گرفت، برای جلوگیری از هرج و مرج در عرصه جهانی با تکیه بر دادرسی عادلانه (دستگیری، محاکمه و مجازات مبارزان غیرقانونی طی فرایندهای قانونی) مانع از شکل‌گیری عرف بین‌المللی در باب «قتل هدفمند» شود. البته این نوع قتل از منظر حقوق بین‌الملل کیفی نیز قابل بررسی است که چه از نظر متدولوژی تحقیق و چه از حیث گستردگی و اهمیت آن، تحلیل منفکی را می‌طلبد و به واقع، این مقاله می‌تواند، دست‌مایه پژوهش دیگری در میان جامعه اندیشمندان حقوق بین‌الملل قرار گیرد.

## برآمد

<sup>۴۴</sup>. بند ۱ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی، ماده ۴ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۴ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم و ماده ۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر.

<sup>۴۵</sup>. Cf UN Economic and Social Council, Commission on Human Rights, Report of the Special Rapporteur on Extrajudicial, Summary, or Arbitrary Executions, UN Doc.2004/7/Add.1, pars, 611-12; UN Economic and Social Council, Commission on Human Rights, Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions, Report of the Special Rapporteur, Asma Jahangi, Submitted Pursuant to Commission on Human Rights Resolution 2002/36, January 13, 2003, UN Doc. E/CN.4/2003/3, par. 37.

حقوق بین‌الملل با تکیه بر حقوق بر خصامه، حقوق در خصامه و حقوق بشر، ضمن تأکید بر لزوم تفسیر مضیق «قتل هدفمند» یعنی به کارگیری آن در بازه زمانی خصامات و میادین نبرد، به سه طریق این تاکتیک نظامی نوین را تحت تأثیر قرار می‌دهد:

الف) حقوق بر خصامه در قالب‌های دفاع مشروع و اقدام خصمانه تلافی‌جویانه بر این تئوری تأکید می‌ورزد که «قتل هدفمند» در چهارچوب دفاع مشروع کلاسیک و حتی تفسیر موسع آن یعنی دفاع مشروع پیش‌دستانه و دفاع مشروع پیش‌گیرانه نمی‌گنجد، بلکه این نوع قتل روشی جز اقدام خصمانه تلافی‌جویانه نیست که این نوع اقدام نیز در حال رخت بر بستن از عرصه حقوق بین‌الملل خصامه است؛

ب) حقوق در خصامه به خاطر قابلیت اعمال آن بر هر خصامه مسلحانه‌ای صرف نظر از شکل و نوع آن نظیر جنگ علیه تروریسم و مقابله مسلحانه با غیرنظامیان مشارک در خصامات، اجرای روش خصمانه «قتل هدفمند» را متوقف بر الزاماتی نظیر حمله به مبارزان غیرقانونی در زمان خصامه و صحنه نبرد، هدف‌گیری غیرنظامیان مشارک مستقیم در خصامات و ضرورت آسیب دیدن دشمن و یا در آستانه صدمه دیدن او بر اثر اقدامات خصمانه حال می‌داند؛

ج) حقوق بشر به عنوان مکمل حقوق بشردوستانه؛ امکان اجرای هم‌زمان این دو شاخه پراهمیت حقوق بین‌الملل در درگیری‌های مسلحانه به خاطر فرازمانی و فرامکانی بودن مقررات بنیادین تعلیق‌ناپذیر مندرج در آن، اجرای «قتل هدفمند» را در خارج از چهارچوب حقوق بشردوستانه به عنوان یک اقدام فرا قضایی ناقض حق حیات قلمداد کرده و مسئولیت متخلف را در قبال جامعه جهانی محرز می‌داند.

فهرست منابع

- ۱- ابوهده، احمد، «بررسی دیدگاه اسرائیل در جنگ علیه لبنان»، ترجمه نرگس درستکار، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، سال چهارم، شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۶.
- ۲- اخوان خرازیان، مهناز، «حقوق بین‌الملل و حمایت از رزمنده غیرقانونی»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (I.S.J)، شماره ۱۸.
- ۳- آگاه، حمید، «حق حیات و چالش‌های موجود»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره ۳۵ و ۳۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
- ۴- آمپاروسان، خوزه‌جیل، «مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال نقض حقوق بشر»، ترجمه ابراهیم بیگزاده، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۹-۳۰، بهار- تابستان ۱۳۷۹.
- ۵- حجار، لیزا، «حقوق بشر در فلسطین اشغالی: تاریخچه و سیاست یک جنبش»، ترجمه داود کیانی، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، مرکز پژوهش‌های علمی و استراتژیک خاورمیانه، شماره ۱۸، بهار ۱۳۸۳.
- ۶- قربان‌نیا، ناصر، نسبت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، رساله دکترای حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۱۳۸۵.
- ۷- کتان، هنری، فلسطین و حقوق بین‌الملل، ترجمه غلامرضا فدائی، انتشارات امیرکبیر، تهران، سال ۱۳۵۴.
- ۸- سلیمان‌زاده، احمدرضا، «مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال نهم، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۱.
- ۹- سلیمان‌زاده، احمدرضا، مشارکت مستقیم در مخاصمات مسلحانه در نظام بین‌المللی حقوق بشردوستانه، دانشگاه مفید، سال ۱۳۸۸.
- ۱۰- سیروس، حسین، «نقش نخبگان اسرائیل در اشغال جنوب لبنان»، فصلنامه مطالعات فلسطین، موسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی-علمی ندا، سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۸۰.
- ۱۱- سید فاطمی، محمد، «حق حیات»، فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۱ و ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.
- ۱۲- دهقانی‌پور، حمیدرضا، «تحولات غزه از دیدگاه حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، فصلنامه سیاست خارجی، وزارت امور خارجه، سال بیست و دوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۷.

- ۱۳- روزنامه اعتماد، سال هفتم، شماره ۱۷۲۴، دوشنبه ۲۴ تیرماه سال ۱۳۸۷.
- ۱۴- روزنامه همشهری، سال چهاردهم، شماره ۳۹۶۱، ۲۸ فروردین سال ۱۳۸۵.
- ۱۵- ژان ماری هنکرتز و لوئیس دوسوالد بک و دیگران، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی*، ترجمه دفتر امور بین‌المللی قوه قضائیه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، مجمع علمی و فرهنگی مجد، جلد اول (قواعد)، تهران، سال ۱۳۸۷.
- ۱۶- فلک دیترا، میشل باث و دیگران، *حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه*، ترجمه قاسم زمانی، نادر ساعد و دیگران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، تهران، سال ۱۳۸۷.
- ۱۷- قربان‌نیا، ناصر و ممتاز، جمشید، «چارچوب هنجاری نظام بین‌الملل حقوق بشر و بشردوستانه»، نامه مفید (حقوقی)، سال دوازدهم، شماره ۵۵، سال ۱۳۸۵.
- ۱۸- قربان‌نیا، ناصر، *حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، سال ۱۳۸۷.
- ۱۹- قربان‌نیا، ناصر، «تعلیق اجرای حقوق بشر در شرایط اضطراری»، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۶.
- ۲۰- قنبری‌نژاد، علی، «بررسی مشروعیت احداث دیوار حائل از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه گفتمان حقوقی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۶.
- ۲۱- کدخدایی، عباسعلی و زر نشان، شهرام، «امکان توسل به دفاع مشروع برای مبارزه با تروریسم»، مجله پژوهش حقوقی، شماره ۱۱، موسسه مطالعات پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، بهار و تابستان ۱۳۸۶.
- ۲۲- عبدالکریم، ابراهیم، «جنگ اسرائیل بر ضد مردم فلسطین»، ترجمه حجت رسولی، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، مرکز پژوهش علمی و استراتژیک خاورمیانه، شماره ۱۸۰، بهار ۱۳۸۳.
- ۲۳- ورعی، جواد، «مبانی فقهی عملیات شهادت طلبانه»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۲۷، بهار ۱۳۸۲.
- ۲۴- محمدعلی پور، فریده، *دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل (با توجه به جنگ عراق علیه ایران)*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، سال ۱۳۷۹.
- ۲۵- محمد رفیعی، کمال‌الدین، «بررسی حقوقی دکتترین دفاع مشروع پیش‌دستانه»، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۸۲.
- ۲۶- ممتاز، جمشید، *ایران و حقوق بین‌الملل*، نشر دادگستر، تهران، پاییز ۱۳۷۶.



- ۲۷-مهرپور، حسین، *نظام بین‌المللی حقوق بشر*، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۳.
- ۲۸-نادری، محمدتقی، *دفاع مشروع*، چاپ زیبا، تهران، سال ۱۳۵۱.
- ۲۹-نجفی اسفاد، مرتضی، «بررسی حقوقی دکترین «مسئولیت حمایت» در حقوق بین‌الملل»، جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱ (مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی)، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش و خانه اندیشمندان علوم انسانی، تهران، ۱۳۹۲.
- 30-Amnesty International USA, *An Extrajudicial Execution by the CIA?*, AmnestyInternational, 18May2005, Available at: <http://www.Amnesty.org>
- 31-Anderson Kenneth, *Targeted Killing in U.S. Counterterrorism Strategy and Law*, A Working Paper of the Series on Counterterrorism and American Statutory Law, a joint project of the Brookings Institution, the Georgetown University Law Center, and the Hoover Institution, 11 May 26 Year 2009.
- 32-Finaud Marc, *L'Abus de la Notion de Combattant Illégal: une Atteinte au Droit International Humanitaire*, Revue Generale de Droit International Public, 2006.
- 33-Gann Mc, *Targeted Killing: When pragmatism and international law collide*, Year 2011, Available at: <http://www.tacticalgamer.com/content/126-targeted-killing-when-pragmatism-international-law-collide.html>.
- 34-<http://elyon1.court.gov.il/files-ENG/02/690/007/a34/02007690>
- 35-ICTY, *The Prosecutor v. Dusko Tadic*, Decission on the Defense Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction, 1995, IT-94-1-AR 72
- 36-*Israeli soldiers condemned for wilful killings of palestinians*, Xinhua General News Service, Xinhua News Agency, 20 February 1990 Kevin Jon Heller, Is Killing Iranian Nuclear Scientists Terrorism?, 16 Jan 2012, at <http://opiniojuris.org/2012/01/16/is-killing-iranian-nuclear-scientists-terrorism>.
- 37-Quéguiner Jean-François, *La participation directe aux hostilités en droit international humanitaire*, CICR, Genève, Septembre 2003.
- 38-Michael N. Schmitt, *Direct Participation in Hostilities and 21 Century Armed Coflicts*, available online: <http://www.mishealschmitt.org/images/Directparticipationpageproofs.pdf>.

- 39-Nir Gazit and Robert J. Brym, *State-directed political assassination in Israel: A political hypothesis*, *International Sociology* 26(6) (2011).
- 40-Nils Melzer, *Targeted Killing in International Law*, United Kingdom, Oxford University Press, Year 2008.
- 41-Nils Melzer, *Direct Participation in Hostilities under International Humanitarian Law*, Second Expert Meeting, ICRC and TMC Asser Institute, the Hague, 25–26 October 2004.
- 42-Nils Melzer, *Third Expert Meeting on the Notion of Direct Participation in Hostilities*, ICRC and TMC Asser Institute, Geneva, 23 – 25 October 2005.
- 43-Nils Melzer, *Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation on Hostilities under International Humanitarian Law*, ICRC, 26 February 2009, PP.48- 49, available online: [http://www.icrc.org/Web/eng/siteeng0.nsf/htmlall/review-872-p991/\\$File/irrc-872-reports-documents.pdf](http://www.icrc.org/Web/eng/siteeng0.nsf/htmlall/review-872-p991/$File/irrc-872-reports-documents.pdf).
- 44-Nils Melzer, *Targeted Killing in International Law*, Oxford University Press, 2008.
- 45-Program on Humanitarian Policy and Conflict Research, *IHL and Civilian Participation in the OPT*, Policy Brief, Harvard University, October 2007.
- 46-Patel Mayur, *Israel's Targeted Killing of Hamas Leaders*, the American Society of International Law, May 2004 available online: [www.asil.org/insigh133.cfm#author](http://www.asil.org/insigh133.cfm#author).
- 47-Solis, Gary, *Targeted Killing and the Law of Armed Conflict*, *Naval War College Review* 60, Spring Year 2007.
- 48-Stahl Adam, *Questioning the Efficacy of Israeli Targeted Killings Against Hamas' Religious-Military Command as a Counter-terrorism Tool*, available online: <http://www.wm.edu/so/monitor/issues/2006/2006-winter-5-Israel.pdf>
- 49-The Year of the Drone, *New America Foundation*, Washington DC Available at: <http://counterterrorism.newamerica.net/drones>
- 50-*The National Commission on Terrorist Attacks Upon the United States*, the 9/11 Commission Report, July 22, Year 2004.
- 51-*The Public Committee Against Torture in Israel v The Government of Israel*, (2006), HCJ 769/02.

52-*Targeted Killing as an Element of U.S. Foreign Policy in the War on Terror*, School of Advanced Military Studies, United States Army Command and General Staff College, Fort Leavenworth, Kansas, available at: <http://www.fas.org/irp/eprint/machon.pdf>.

53-UN Economic and Social Council, Commission on Human Rights, ***Report of the Special Rapporteur on Extrajudicial***, Summary, or Arbitrary Executions, UN Doc.2004/7/Add.

54-UN Economic and Social Council, Commission on Human Rights, Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions, ***Report of the Special Rapporteur***, Asma Jahangi, Submitted Pursuant to Commission on Human Rights Resolution 2002/36, January 13, 2003, UN Doc. E/CN.4/2003/3.

55-United Nations, General Assembly, Human Rights Council, Fourteenth session, Fourteenth session, ***Study on targeted killings***, A/HRC/14/24/Add.6, 28 May 2010, available at:

<http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrcouncil/docs/14session/A.HRC.14.24.Add6.pdf>

56-Vlasic Mark, ***Assassination & Targeted Killing – a Historical and post Bin Ladan Legal Analysis***, Law Center, Georgetown University, Year 2012.

